

## منشور برادری به رسمیت شناختن چند صدایی است

حجت الاسلام و المسلمین مجید انصاری از اعضای شاخص مجمع روحانیون مبارز اصلی ترین تشکل جناح معروف به خط امام است که سابقه حضور در ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی را نیز دارد. او همچنین از نزدیک با دفتر حضرت امام خمینی(س) نیز مرتبط بوده است. برای بررسی و تحلیل پاسخ حضرت امام خمینی(س) به نامه حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی انصاری که بعدها به منشور برادری معروف شد گفتگویی با ایشان داشتیم. این پیام که به طور صریح به موضوع اختلافات گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در جمهوری اسلامی می‌پردازد در شرایط فعلی جامعه می‌تواند حاوی پیام‌های کلیدی و ارزشمندی باشد. این گفتگوی تفصیلی در دفتر مجمع روحانیون مبارز صورت گرفت که در ادامه می‌خوانید:

- در ابتدا لازم است بفرمایید این منشور در چه فضایی و در پاسخ به چه نیازی از طرف حضرت امام خمینی(س) صادر شد و از چه وجوهی دارای اهمیت است؟

انصاری: من مقدمتاً می‌خواهم تأکید کنم بر ضرورت بازخوانی پاسخ حضرت امام به آقای محمد علی انصاری که به منشور برادری مشهور شد که در شرایط کنونی کشور و فضای حاکم بر جامعه حتماً پرداختن به پیام، تحلیل آن و عمل کردن صادقانه به همه محتوای آن یک ضرورت مضاعف در شرایط کنونی است. البته طبیعی است کسانی که صادقانه به راه و اندیشه امام پایبند بودند از هر جریان سیاسی که باشند اگر نگاه ژرف و عمیقی را به محتوای این پیام داشته باشند در شرایط فعلی از این پیام درس‌های عملی بزرگ می‌گیرند و تا حدود زیادی داری دردهای سیاسی و برخی از ناهنجاری‌ها و بد اخلاقی‌ها سیاسی کشور را در آن خواهند یافت. کسانی هم که غیر صادقانه نام امام و انقلاب و ارزش‌های آن را یدک می‌کشند برخورد ابزاری یا گزینشی دارند

که تکلیف شان جداست. آنها همواره اگر چیزی را به نفع خودشان پیدا کنند و بتوانند تفسیر کنند اقبال نشان می‌دهند و گرنه می‌گذرند. قطعاً پیام امام از قرآن کریم بالاتر نیست وقتی که قرآن شرایط دوران وحی را در صدر اسلام بیان می‌کند که برخی ایمان به برخی کتاب دارند "نومن ببعض و نکفر ببعض". از همان ابتدای اسلام بوده و جریاناتی بوده اند که خودشان را مدار حق و به حق می‌پندارند؛ حق پنداری مطلق در ذهنشان هست. حالا یا واقعا خود را حق می‌پندارند یا به خاطر منافع مادی یا خوی استکباری و استبدادی ذاتی که پیدا کرده اند به این بیماری گرفتار می‌شوند و طبعاً هر چیزی که بر مدار تشخیص و خواسته و خود حق پنداری آنها باشد ترویج می‌دهند و اگر نبود تکذیب و یا تاویل و تفسیر می‌کنند. تفسیر به رای قرآن که در روایت هم نهی شده به همین معناست یعنی کسانی آیات شریفه قرآن را بر اساس، آرا و تمنیات و نفسانیات خودشان تاویل و تفسیر کردند.

رجوع به همه راهنمایی‌ها و پیام‌های حضرت امام به خصوص وصیت نامه حضرت امام و در این ایام منشور برادری خیلی کارساز و مهم است. نکته دوم هم تذکر به رسانه‌ها و احیاناً روزنامه‌ها یا سایت‌هایی که می‌خواهند به مناسبت سالگرد صدور این پیام به آن پردازند این است که حتماً نامه آقای انصاری را به عنوان مقدمه منتشر کنند. چون نسل سوم‌ها و حتی نسل دوم‌ها ممکن است ندیده و یا فراموش کرده باشند که اصولاً سوال‌ها چه بود که امام این پاسخ را دادند. من این پیشنهاد را به موسسه هم می‌کنم که حداقل برخی از پیام‌های مهمی را که مفسر به پاسخ سؤال یا نامه ای است مثل منشور حوزه و روحانیت که حضرت امام در پاسخ مرحوم آیت الله قدیری، نوشتند یا مثلاً نامه ای را که حضرت امام در پاسخ به نام صدوچند نفر از نمایندگان مجلس در رابطه با قانون اساسی نوشتند جا دارد که موسسه یک جلد مستقل به عنوان مکمل صحیفه امام با همان نامه‌های پیوست یا توضیحات مقدماتی اش چاپ نمایند. در همین نامه منشور برادری اشاراتی است که اگر آن سوالات آقای انصاری باشد معلوم می‌شود که امام به چه چیزی پاسخ دادند و موضوع سوال چه بوده است. علت پیشنهاد این بود که چندی پیش دیدم که در یکی از روزنامه‌های افراطی جریان تمامیت خواه مدعی اصولگرا که ید طولایی در تحریف هم دارند

پاسخ حضرت امام به اخوی (آقای محمدعلی انصاری) را با نام یک خطاب و عتاب و با جمله ای آورده بود که گویی این نامه نوعی خطاب و عتاب به آقای انصاری بوده و خود این را نشانه این گرفته بودند که مثلاً اینان از زمان خود حضرت امام منحرف بودند. در حالی که حتی اگر نمی‌خواستند نامه اخوی را چاپ کنند کافی بود کل پیام را مخصوصاً مقدمه را چاپ می‌کردند و می‌دیدند که شاید در میان تمام پیام‌هایی که حضرت امام به افراد داده اند و یا پاسخ‌هایی که داده اند پیامی این قدر مهربانانه و پدرانانه و توأم با اوج کرامت و محبت نبوده که در آغاز این نامه است. اولاً از آقای انصاری با اینکه لباس کت و شلوار پوشیده بودند و برای اقتضای کاری لباس روحانیت را کنار گذاشته اند با عنوان حجت الاسلام یاد کردند. می‌دانید که حجت الاسلام در نوشته‌های امام سطح اش با القاب امروزی حوزه‌ها متفاوت بود. بعداً نوشته اند: نامه شما را مطالعه کردم. مسئله‌ای را طرح کرده‌اید که پاسخ به آن کمی طولانی می‌گردد ولی از آنجا که من به شما علاقه مندم، شما را مردی متدین و دانا- البته کمی احساساتی - می‌دانم و از محبت‌های بی‌دریغت نسبت به من همیشه ممنونم. به عنوان نصیحت به شما و امثال شما که تعدادشان هم کم نیست مسائلی را تذکر می‌دهم اینکه ضماین نیز شخصی شده نشان دهنده اوج محبت است. حالا این برادران مدعی اصولگرایی در سایت و روزنامه شان این همه محبت و لطف و عنایت را که حضرت امام به نامه یک فرد اهتمام ورزیدند و نزدیک به سه چهار صفحه مطلب نوشتند توجه نفرموده بود. این نه از باب خاص این پیام بلکه برای جلوگیری از تحریف‌ها حتماً لازم است مستندات این نامه‌ها و پیام‌ها منتشر شود. به هر حال باید پیشقدم شد و در سالگرد این پیام نامه و پاسخ امام را منتشر کرد تا معلوم شود که تکیه‌های امام در پاسخ متوجه چه چیزی است.

اگر به متن نامه مراجعه کنید متوجه خواهید شد که انگیزه سوال چه بوده و امام چرا به گفته خود ایشان علی‌رغم طولانی بودن مطلب اهتمام ورزیدند و پاسخ دادند و خود حضرت امام تشخیص دادند که هم نامه اخوی که منتشر نشده بود منتشر شود و هم پاسخ را به صورت عمومی منتشر نمودند. آقای انصاری در آن نامه از یک پارادوکس ظاهری که از رفتار و گفتار امام به ذهنشان رسیده بود سوال کرده اند که چطور حضرت امام هر دو جریان سیاسی آن روز را هم

مورد خطاب و عتاب و هم مورد تایید قرار می‌دهد. به هر حال جریان راست آن زمان که در تشکل‌هایی مثل جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین و گروه‌های نزدیک به آنها مثل موتلفه و دیگران متجلی بود و به اصطلاح آن زمان به جناح بازار یا جناح راست مشهور بودند و جناح مقابل که مجمع روحانیون مبارز بود و گروه‌های دیگری مثل مجاهدین انقلاب اسلامی و سایر گروه‌های به اصطلاح آن روز چپ یا خط امامی معروف بودند. ایشان سوالات مفصلی کردند که در نامه ایشان موجود است که شما هم اینها را تایید می‌کنید و هم آنها را؛ و ما بالاخره نفهمیدم که حق با کدام است؟ پاسخ حضرت امام در این زمینه برای همیشه بسیار راهگشاست. پیام به مسایلی پافشاری کرده اند که نیاز مبرم امروز ماست. یکی به رسمیت شناختن و تاکید بر ضرورت چند صدایی بودن؛ اینکه اختلاف نظر و عقیده نه تنها چیز بدی نیست بلکه خوب است. ایشان اشاره کردند کتب شیعه و حوزه‌های ما در طول تاریخ پر بوده است از اختلاف دیدگاه در مسایل گوناگونی که خود حضرت امام فهرست مفصلی از مسایل را ذکر نمودند. در مسایل کلامی و فقهی که اختلاف و معرکه آرای فقها بوده است ولی حضرت امام می‌فرمایند که چون اینها در کتاب‌ها و مدارس بوده و عمدتاً به زبان عربی بوده و دغدغه روزانه مردم عادی ما نبوده خیلی تجلی بیرونی نداشته است. ولی حالا که حکومت اسلامی تشکیل شده هر یک از این موضوعات در مجلس و یا دولت مطرح می‌شود و به صحن و عرصه زندگی مردم کشیده می‌شود. حضرت امام بر به رسمیت شناختن دیدگاه‌های مختلف علمی در حوزه‌های گوناگون هم صحه گذاشتند و هم فرمودند که موجب شکوفایی بوده در حالیکه ما امروز می‌بینیم که حتی برخی از مراجع تقلید ما به خاطر نوآوری‌های فقهی که دارند و فتاوایی که احیاناً با فتوای مشهور سازگاری ندارد یا با مذاق جمعی خاص در حوزه سازگاری ندارد مورد تاخت و تاز قرار می‌گیرند؛ گرچه ریشه اکثر آنها سیاسی است اما اینها را بهانه قرار می‌دهند. موارد عدیده ای هم هست که هر نوع نوآوری را نوعی ساختار شکنی تلقی می‌کنند در حالی که اگر تاریخ فقه شیعه را بررسی کنیم می‌بینیم که بزرگانی مثل ابن ادریس یا افراد دیگر در برابر استوانه‌های عظیم فقهی مثل مرحوم شیخ طوسی یا مکتب شیخ طوسی قد علم کرده اند و حرف‌های نوزده اند و جلوی جمود و ایستایی فقه را

گرفتند و خود حضرت امام یکی از افراد خیلی شجاع در عرصه افتا بودند و اگر قرار بود که همه فقها یا علما جرات شکستن فتوای مشهور یا نظر مشهور را نداشته باشند اصلاً علم متوقف می‌شد. فقط خاص فقه هم نیست در سایر عرصه‌ها هم هرچه تحول بوده از ناحیه جسارت شکستن انحصار فکری و علمی بوده است.

نکته بعد در صحبت‌های حضرت امام این است که برخی از امور ریشه نفسانی و غیر الهی دارد. اگر در برخی اختلافات می‌بینیم که از حد اعتدال و انصاف خارج می‌شود و طرفی به حق تمکین نمی‌کند نه به خاطر اختلاف واقعی بر سر مسائلی است که مطرح می‌کنند، بلکه بیشتر به خاطر ریشه‌های هوا پرستی و قدرت پرستی و انحصار طلبی‌هایی است که یک رنگ و لعاب ظاهری فکری به آن می‌دهند اما در واقع به خاطر آن است که می‌خواهند قدرت در دست آنها باشد و رقیب را بر نمی‌تابند یا استبداد رای دارند و هر حرف مخالفی را علیه قدرت خودشان می‌دانند و این استبداد رای است که باعث آن است که دیگران را متهم به تهمت‌های خاص کنند.

- در این نامه میزان حضرت امام(س) برای برادری و وحدت چیست و به چه مواردی اشاره دارند؟

انصاری: ایشان در پاسخ به اخوی می‌فرمایند که همه در اصول مشترکند. وقتی که مثال‌هایی را ذکر می‌کنند می‌شود حداقل مصادیقی برای اصول پیدا کرد. ایشان می‌فرمایند: اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد، موجب سستی نظام می‌شود و این مسئله روشن است که بین افراد و جناح‌های موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است و لو اینکه شکل عقیدتی به آن داده شود، چرا که همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است.

از این سخن امام مشخص می‌شود که بین افراد جناح‌های وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم

باشد صرفاً سیاسی است ولو اینکه شکل عقیدتی به آن داده شود چرا که همه در اصول با هم مشترکند. امام می‌فرماید آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند. پس فهرست اصول اینهاست؛ اصل اسلام، اصل قرآن و اصل انقلاب اسلامی. طبیعی است که به این ترتیب اگر گروهی پیدا شد و اساس انقلاب را قبول نداشت مثلاً سلطنت طلب باشد یعنی کسی که اصل انقلاب را نهدی می‌کند مفهوم و معنایش این است که او همان ارزش‌های نظام شاهنشاهی را مناسب می‌دانسته، طبیعی است که او فردی نیست که در دایره وحدت بگنجد. البته ممکن است افرادی به شیوه‌های رفتاری یا کارهایی که الان به نام انقلاب صورت می‌گیرد معترض باشند، این اشکالی ندارد این همان دعوی مصداقی است. ممکن که بگویند این کاری که می‌کنید با ارزش‌های انقلاب مغایر است یا انحراف از مسیر انقلاب است؛ این منظور امام نیست.

ادامه می‌دهند: دلشان برای مردم و کشور می‌سوزد. این ملاک مهمی است که آیا اختلافاتی که گروه‌های سیاسی دارند نسبت به کشور و مردم واقعا متعهداند یا خدای ناکرده گروهی وابسته به بیگانه است. یک حزب، یک گروه، یک فرد دلش در گرو ملت و مردم ایران نباشد و بیگانه پرست باشد طبعاً این از دایره اشتراک در اصول خارج است.

ادامه می‌دهند: هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است. اکثریت قاطع هر دو جریان می‌خواهند کشورشان مستقل باشد...

فرموده اند که اکثریت قاطع هر دو جریان می‌خواهند که کشورشان مستقل باشد. پس استقلال کشور یکی از اصول است. اگر گروهی و حزبی اعتقادش بر این باشد که چه اشکالی دارد این نظم نوین جهانی یک بچه حرف شنوی باشیم، کشور تسلیمی باشیم و بینیم که نظم جهانی چه می‌گوید و ما همان را انجام دهیم. هر چه امریکا و قدرت‌های جهانی می‌گویند و می‌پسندند ما خارج از دایره قدرت جهانی حرفی نزنیم یا اگر در جایی که لازم است بایستیم، ایستادگی نکنیم ولو به بهای از دست دادن استقلال کشور این‌ها نیز از دایره اصول خارج اند. البته در مصادیق استقلال ممکن است باز اختلاف نظر باشد. کسی بگوید این اقدام استقلال طلبانه است و کسی بگوید نه، ایستادن بر روی اصول در عین حال تعامل با جامعه جهانی برای جلب همکاری‌ها و

سرمایه گذاری‌ها؛ این نه تنها مخدوش کننده استقلال کشور نیست بلکه موجب تامین و تقویت بینه استقلال ملی خواهد بود. در نوع نگاه به موضوع استقلال حتماً اختلاف نظر هست. همان موقع هم بود اگر به موارد اختلاف برگردیم؛ در دوره اول تا دوره سوم مجلس آن مواردی از اختلاف نظر که پیش آمد یک عده همان موقع ممکن بود پایان جنگ را در جهت حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور تلقی کنند و یک عده هم بودند که می‌گفتند حالا که جنگ شروع شده ادامه تا پیروزی نظامی ضامن استقلال کشور است. این اختلاف نظر است جای بحث کارشناسی است. اینجاست که حضرت امام، می‌گویند اختلاف اشکال ندارد بلکه موجب رشد خواهد بود و مواردی که امام ذکر کرده اند ادامه دارد.

ادامه می‌دهند: هر دو می‌خواهند سیطره و شرّ زالوصفتان وابسته به دولت و بازار و خیابان را از سر مردم کم کنند. هر دو می‌خواهند کارمندان شریف و کارگران و کشاورزان متدین و کسبه صادق بازار و خیابان، زندگی پاک و سالمی داشته باشند. هر دو می‌خواهند دزدی و ارتشا در دستگاه‌های دولتی و خصوصی نباشد، هر دو می‌خواهند ایران اسلامی از نظر اقتصادی به صورتی رشد نماید که بازارهای جهان را از آن خود کند، هر دو می‌خواهند اوضاع فرهنگی و علمی ایران به گونه‌ای باشد که دانشجویان و محققان از تمام جهان به سوی مراکز تربیتی و علمی و هنری ایران هجوم آورند، هر دو می‌خواهند اسلام قدرت بزرگ جهان گردد.

یعنی هر گروهی که آمده اند انحصارطلبانه و سوداگرانه به مردم فشار بیاورند و به دنبال سودطلبی صرف به هر قیمتی هستند شرشان را از سر مردم کم کنند. در ادامه می‌بینیم که زندگی پاک و شرافتمندانه مردم جزو این معیارهاست.

در مصادیقی که حضرت امام ذکر کردند ملاحظه می‌کنید که از اسلام و قرآن شروع کردند بعد در میدان عمل موضوعاتی مثل استقلال ملی، پاکی و سلامت زندگی مردم، مبارزه واقعی با فساد مثل دزدی و ارتشا در دستگاه‌های دولتی و خصوصی؛ که می‌فرمایند هر دو گروه می‌خواهند اینها نباشد حالا اگر گروهی اساس موجودیت خودش را بر دروغ بگذارد و به مردم چه در مسایل سیاسی، انتخاباتی چه در اداره کشور و آمار و ارقام اقتصادی دروغ بگوید یعنی اگر یک گروهی

عاملاً و عامداً دروغگویی، تهمت زنی، دزدی، رشوه برایش مهم نباشد و قدرت با هر وسیله ممکن برایش اصل باشد این نمی‌تواند در دایره برادری و وحدتی باشد که امام ذکر کردند. اینها دیگر مسایل اخلاقی عملی است.

ادامه می‌دهند: هر دو می‌خواهند ایران اسلامی از نظر اقتصادی به صورتی رشد نماید که بازارهای جهان را از آن خود کند، هر دو می‌خواهند اوضاع فرهنگی و علمی ایران به گونه‌ای باشد که دانشجویان و محققان از تمام جهان به سوی مراکز تربیتی و علمی و هنری ایران هجوم آورند، هر دو می‌خواهند اسلام قدرت بزرگ جهان گردد.

اگر گروهی به دنبال این نباشد که استقلال اقتصادی یا اتکای اقتصادی رشد کند و از اساس به دنبال این باشد که حالا که پولی گیر آمده دروازه‌های کشور ولو به قیمت تعطیلی هزاران واحد تولیدی داخلی و کارخانه‌های دولتی و ورشکستگی تولیدگران و تجار داخلی و بیکاری وسیع جوانان به روی کالاهای خارجی باز بشود. اینها برایشان مهم نباشد و مهم برایشان کسب منافع مقطعی یک باند و گروه و جریان قدرت باشد. اینها در میدان سیاست گذاری‌های اداری کشور از اصول خارج است.

حدود یک صفحه از پیام امام ذکر مصادیقی است که می‌فرماید هر دو جریان به اینها پایبندند و بنابراین از دید امام اینها اصولند. حال یا اصول در اعتقاد است مثل قرآن و اسلام و انقلاب یا اصول در سیاست‌گذاری‌های بنیادین و کلیدی و اساسی نظام اداره کشور مثل حقوق اساسی مردم و استقلال اقتصادی و مبارزه جدی با فساد و.... می‌شود تصویر روشنی را بدست آورد که امروز جریان‌ها در میدان عمل چه مقدار پایبند به رهنمودهای امام هستند. اگر جریان‌ها این مسایل را قبول داشتند خارج از این دیگر حوزه مناظره کارشناسی و به تعبیر امام مباحثه طلبگی و حوزه‌ای خواهد بود که نه تنها انتقاد ویرانگر نیست بلکه تخطئه عطیه الهی می‌شود. این چیزی است که متأسفانه امروز جایش در فضای عمومی و رسانه‌ای کشور و فضای سیاسی ما خالی است. به تعبیر دیگر یک خلط آشکار میان نیت براندازانه و نیت خیرخواهانه شده و یک گروهی که در قدرت و حکومت هستند که یحسبون کل صبحه علیهم هر چیزی را علیه خودشان تلقی می‌کنند هر



چیزی را تفسیر به براندازی می‌کنند و هر کسی که غیر از دایره فکر و اندیشه محدود آنها بیندیشد و حرف بزند غیر خودی می‌شود. این نگاه فاصله بسیار زیادی با مکتب امام دارد و موجب مشکلات هم همین نگاه تنگ نظرانه و چه بسا مشکوک است.

- با لحاظ کردن مسائلی که براساس منشور برادری حضرت امام(س) به عنوان اصول برشمردید از سوی عده ای عنوان می‌شود که یکی از جناح‌ها یا حداقل عده ای از آنان یا از ابتدا به این اصول معتقد نبودند و یا حداقل آن که امروز دیگر به آنها معتقد نیستند. تحلیل و تفسیر شما از این دیدگاه چیست؟

انصاری: جریانی که امروز در کشور صاحب قدرت و رسانه و همه چیز است به شیوه‌های مختلف از همه ابزارهایی که در دست دارد از تریبون سخنرانی و سایت‌های متعدد و حتی برخی امکاناتی که صدا و سیما در اختیارشان می‌گذارد یا بولتن و کلاس‌های توجیهی و تجمعات و همه آن چیزی که ممکن است از آن استفاده تبلیغاتی بشود برای طرح دیدگاه‌های جریانی خودش برخوردار است و جریان مقابل نیز از همه یا حداقل بخش اعظمی از اینها محروم و بی بهره است که خود این یک بی عدالتی است چون در کلام حضرت امام عدالت یک اصل است و عدالت هم صرفاً عدالت اقتصادی، نان و آب نیست.

نفس وجود بی عدالتی در عرصه رسانه و مطبوعات و احتجاج و مجادله و از بین بردن زمینه جدال احسن که قرآن ما را امر به آن کرده خودش نشانه فاصله گرفتن از اصول انقلاب است و جریانی که سعی می‌کند عرصه پاسخ گویی را بر رقیب تنگ کند و غایبانه محاکمه می‌کند و حکم صادر و اجرا می‌کند اینها از اصول عدالت اسلامی و اصول اندیشه امام فاصله دارند. اما این جریان تمایمات خواهد که با ابزار غیر اخلاقی به قدرت رسیده یا سعی می‌کند با ابزار غیر اخلاقی قدرت خودش را توسعه بدهد و استمرار ببخشد کارهای مختلفی را انجام می‌دهد. یکی تحریف قسمت عظیمی از تاریخ کشور ماست. بخش عظیمی از جامعه ما را جوانان و نوجوانان تشکیل

می‌دهند که قبل از انقلاب و سالهای اول بعد از انقلاب نبودند یا در سنی نبودند که تحلیل داشته باشند. ممکن است شناسنامه سیاسی و هویت جریان‌ها را ندانند این جریان برای تسخیر ذهن این جوانان دست به تحریف می‌زنند. همان جریان که قرآن نسبت به آنان هشدار می‌دهد "یحرفون الکلم عن مواضعه". قرآن جمعی از دانشمندان یهود را تقبیح و سرزنش می‌کند که آنها از فاصله طولانی بین حضرت موسی و بی‌خبری که مردم از اصل تورات و احکام خدا دارند استفاده می‌کردند و هر چه که میل‌شان بود به نام کلام الله و حکم تورات معرفی می‌کردند و هر جا که میل‌شان نبود کنار می‌گذاشتند. این جریان تحریف‌گر تاریخی بعد از پیغمبر اکرم (ص) شروع به شکل‌گیری کرد و هر قدر که بنی‌امیه قدرت پیدا کرد، قدرت تحریف‌گری‌شان تقویت شد و در زمان بنی‌امیه می‌بینیم جریان حاکم برای بیرون راندن حضرت علی (ع) و اهل بیت از صحنه به شیوه‌هایی متوسل می‌شود و آن قدر آن شیوه‌ها را تکرار می‌کند و تردیدها را در ذهن افراد بی‌اطلاع می‌افکند که آن فرد شامی قسم یاد می‌کند و می‌گوید که ما تصور می‌کردیم که پیامبر اسلام (ص) هیچ خویشاوندی غیر از بنی‌امیه ندارد. یا آن یک دیگر وقتی که می‌شنود حضرت امیر (ع) در محراب مورد سوء قصد قرار گرفته با تعجب سؤال می‌کند که مگر حضرت امیر هم نماز می‌خواند؟ ببینید در تحریف و تبلیغ تخریبی چقدر توانایی دارند که می‌توانند دومین شخصیت جهان اسلام و اولین مومن به پیامبر و کسی که همه اسلام توصیف او بود و همه پیغمبر عشق او بود و آیات عدیده قرآن مستقیم و غیر مستقیم در شأن او نازل شده بود در ذهن جامعه فردی می‌شود که یا اهل نماز نیست یا در برابر قدرت زمان طغیان کرده و امثال اینها...

زمانی تاریخ عاشورا را مطالعه می‌کردم نکته جالبی است که امام حسین (ع) در سخنرانی‌شان در روز عاشورا کراراً شهادتین را بر زبان جاری کرده‌اند. یعنی فضا را طوری ساخته بودند که امام لازم می‌داند که شهادتین بگوید تا بدانند که ایشان مسلمانند. این یک جریان خطرناک است یعنی جریانی که قدرت تخریبی بدون پایبندی به هیچ اصل اخلاقی بکار می‌گیرد و شروع می‌کند به تخریب کردن و تهمت زدن، طرف مقابل هم از پاسخگویی محروم می‌شود. اتفاقی که الان می‌افتد این است که بعضی از جریان‌ها افراط‌گرا راه بنی‌امیه را می‌روند؛ من نمی‌خواهم بگویم



یک جناح یا خدای نکرده این نگاه را داشته باشم که جریان نظام به این سمت می‌رود ولی قطعاً جریاناتی انحرافی و مشکوک و تندرو در درون نظام هستند که اینگونه عمل می‌کنند؛ مثلاً امروز جریانی هست که با صراحت می‌گوید اصل تسخیر لانه جاسوسی آمریکا ساخته و پرداخته خود آمریکایی‌ها بوده و رهبر جریان دانشجویان پیرو خط امام (س) که از طرف حضرت امام هم برای هدایت آن جریان انتخاب شدند آقای آیت الله موسوی خوئینی‌ها هم عامل سرویس جاسوسی سیا بوده و حالا شما ببینید موضوعی به این اهمیت و با وضوح کامل با وجود موضع‌گیری‌های امام و حمایت عظیم مردم تحریف می‌شود. تقریباً همه ملت ایران آن حرکت را تایید کرد حتی جریان‌های حزب توده و چریک‌های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق چون خواست عامه مردم را دیدند آنها هم اعلام حمایت کردند. یک جریان روشن تاریخی هنوز سی سال از وقوع اش نگذشته و همه قهرمانان آن یا شهید شدند یا هستند - برخی نیز البته در زندان‌ها هستند - اینگونه مورد تحریف قرار می‌گیرد. این‌ها نشان‌دهنده همان آسیب‌شناسی حضرت امام (س) است که عده‌ای بر اساس هوای نفس و براساس تمنیات نفسانی چیزهایی را به نام ارزش و ضد ارزش بهانه می‌کنند ولی در حقیقت مطلب دیگری در ذهن‌شان است. اگر خوشبین باشیم اینها جریان داخلی هوس زده و قدرت طلب هستند من یک گام آن سوتر می‌روم و بدبینانه نگاه می‌کنم و فکر می‌کنم حداقل برخی از این جریانات برای انتقام‌گیری از امام و یاران امام مشکوک و تحریک شده از سوی بیگانگان و دشمنان انقلاب هستند، و گرنه نمی‌شود به طور طبیعی یک جریان سالم هر کس که به نوعی در انقلاب موثر بوده و حلقه اول و دوم یاران امام بوده‌اند را متهم و تخریب کند؛ از آیت الله هاشمی رفسنجانی و آیت الله موسوی خوئینی‌ها و اعضای مجمع روحانیون مبارز و شخصیت‌های حوزوی و دانشگاهی و محیط‌های مختلف همه را تخریب کنند. چوب حراج به دست گرفتن و همه گذشته را نفی کردن و همه این شخصیت‌ها را مشکوک و بد معرفی کردن و جوری حرف زدن که گویی حضرت امام (س) تعمد داشته که هر چه افراد مساله دار و مشکل دار هست دور خودش جمع کنند. وقتی می‌آیند می‌گویند که از اول آقای خوئینی‌ها اینگونه بوده است آقای خوئینی‌های که حضرت امام در حساس‌ترین مناصب که در برخی شرط

اجتهاد مطلق بود مثل دادستانی کل و در مسائل کلیدی و مهمی مثل امیرالحاج بودن که یک منصب شرعی بزرگ هست از ایشان استفاده کرده اند و آقای مهندس موسوی، آقای کروبی، آقای خاتمی، محتشمی پور و دانشجویان پیرو خط امام و سایر احزاب انقلاب که امروز آنها را در معرض چالش قرار داده اند اینها هم پیمانان امام و انقلاب بوده اند و انقلاب و جنگ را جلو بردند و امروز یک دفعه خط بطلان بر گذشته سی ساله و چهل ساله اینها کشیده می شود و تردید ایجاد می شود. پر واضح است که جریانی که این کار را می کند اگر خیلی خوشبین باشیم باید بگوییم یک عده افراد احمق و قدرت طلب داخلی هستند والا عرض کردم به نظرم من باید با دید تردید به آنها نگاه کرد.

- حضرت امام در فراز پایانی این منشور توصیه ای به جناح ها دارند که به تبادل افکار و اندیشه های سازنده روی بیاورند و مسیر رقابتها را از آلودگی و انحراف و افراط و تفریط را پاک کنند. اهمیت این دعوت در چیست؟

انصاری: برای یک جامعه زنده و پویا آزادی گفت و گو و بیان و آزادی عقیده و آزادی مطبوعات و احزاب و کلیه آزادی های سیاسی و مدنی به مثابه اکسیژن و خون برای یک پیکر است. اگر امکان ادامه حیات یک موجود زنده بدون اکسیژن وجود دارد اگر امکان حیات یک انسان بدون چرخش خون در رگ های او هست باید بگوییم که امکان ادامه حیات سیاسی یک جامعه اسلامی و انقلابی بدون آزادی ها وجود دارد تردیدی نیست جریانات و کسانی که سعی می کنند تمام منقذهای آزادی را ببندند به محض این که روزنامه ای برخلاف میل آنها چیزی را نوشت و یا سایتی مثل سایت مجمع روحانیون مبارز که پایگاه خبری نیست و صرفاً یک سری تحلیل ها و دیدگاه های اعضای این حزب قانونی را منتشر می کند و سایر سایت ها فیلتر می شوند و روزنامه تعطیل می شوند سخنرانی ها به هم زده می شوند حتی روضه ها و دعای ندبه چون این گروه خاص بر قرار می کند و دعای کمیل شب جمعه چون در فلان محلی که آقای محتشمی پور در آن

جا دایر کرده همه باید تعطیل شوند؛ مفهومی این است که می‌خواهیم همه روزنه‌های ورود اکسیژن سیاسی و حیات سیاسی را مسدود کنیم طبیعی است که جامعه خفه و دچار خفقان خواهد شد و در جامعه خفقان زده جز استبداد و مستبد چیز دیگری رشد نمی‌کند. این که امام دعوت به گفت و گو می‌کنند چون ایشان یک عالم برجسته مدیریتی و حکومتی است؛ امام علم‌شان صرفاً در فقه و فلسفه خلاصه نمی‌شود درست است که علوم معمول حوزوی تحصیلات حضرت امام بوده ولی حقیقتاً ایشان در آسیب‌شناسی اجتماعی و تحلیل تاریخی قطعاً یکی از صاحب‌نظران بزرگ هستند چون تحلیل‌هایی که ایشان کرده‌اند و تدبیرهایی که بر مبنای این تحلیل‌ها برای مدیریت و پیروزی انقلاب و بعداً اداره نظام انجام دادند همه باعث می‌شود که ایشان را در زمره اندیشمندان بزرگ این عرصه بدانیم. قانون اساسی که نتیجه مکتب‌مدیریتی و شاگردان ایشان است تراوش ذهن جامع و کامل حضرت امام و نگاه ایشان نسبت به انسان، اسلام و جامعه ایران بوده است. در قانون اساسی بر حسب شانس و تفنن و تزئین نبوده که فصلی راجع به آزادی‌های ملت گنجانده شده است. راهپیمایی در دفاع از حکومت که نیاز ندارد در قانون اساسی گنجانده شود این که قانون اساسی می‌گوید راهپیمایی آزاد مشروط که به آن محل به مبانی اسلام نباشد برای آزادی اعتراضات در جامعه است که احتیاج است در قانون اساسی تضمین شود. این که قانون اساسی می‌گوید نمایندگان در بیان و رای آزاد هستند برای نماینده معترض و منتقد است و گرنه نماینده‌ای که بخواهد تعریف و تمجید حکومت و حاکمیت را بکند مصونیت لازم ندارد، حکومت به او جایزه هم می‌دهد. تریبون منتقد شجاع مجلس است که قانون اساسی باید به او مصونیت بدهد تا نمایندگان از شمشیر آویخته رد صلاحیت و بازداشت و محرومیت نترسند، هیئت منصفه، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و موارد بسیار دیگر در قانون اساسی وجود دارد. هر جا که قانون اساسی بر آزادی تکیه کرده است آن‌جا نقطه‌ای است که قدرت‌های استبدادی در قاعده آن را بر نمی‌تافتند و به لحاظ تاریخی در ذهن تدوین‌کنندگان قانون اساسی و خود حضرت امام (س) در استبداد رضاخانی و محمد رضاشاهی و قبل از آن از مردم سلب شده بود و قانون اساسی بر آن‌ها تاکید کرده که مبادا دوباره این حقوق از مردم سلب شود ولی امروز شما می‌بینید که یک

قرائتی از قانون اساسی هست که گویی این اصول اصلاً در قانون اساسی نیست و یا اگر هست مفهومش آزادی در تعریف و تمجید از حاکمیت است.

حضرت امام می‌فرمایند: اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است.

و ما امروز شاهد این لطمه جدی هستیم، کثیری از جوانها هستند که در اثر دیدن برخی از بی‌عدالتی‌ها در برخوردهای سیاسی و رفتارهای قضایی و اداری فوج فوج نسبت به انقلاب و حتی اسلام دچار تردید می‌شوند خود صحبت‌های الان من را ممکن است فردا بگویند علیه نظام و انقلاب است ولی سوگمندها باید بگوییم که امروز دکان مبشرین مسیحی و مکتب‌های انحرافی عرفانی جدید و برخی ادیان تحریفی و خرافی و ناهنجاری‌های فکری و اعتقادی بسیار داغ شده است و بی‌دینی و لاابالی‌گری و دین‌گریزی و مسئولیت‌گریزی در سراسر جامعه دیده می‌شود. این‌ها زاییده چیست؟ جز این که تصویری که از اسلام و انقلاب و امام ارائه می‌شود برای این نسل قانع‌کننده و جذاب نیست و متأسفانه عده‌ای برای توجیه رفتارهای غلط خودشان سعی می‌کنند حضرت امام را هم آن‌گونه که خودشان هستند معرفی کنند بدون این که مقتضیات زمان و مکان و شأن نزول یک گفته و حکم ایشان را مشخص کنند شبیه‌سازی می‌کنند که کاملاً مخالف واقعیت است؛ یعنی آن چیزی که به عنوان تایید خودشان به کار می‌گیرند وقتی به منشا آن بر می‌گردیم می‌بینیم در نقطه مقابل این مسئله است.

همان‌طور که در سایر گفته‌ها و نوشته‌های حضرت امام هست امروز از هر امری ضروری‌تر این است که نیروهای دلسوز انقلاب از هر جریانی که هستند همان‌طور که امام فرموده‌اند واقعا دور هم بنشینند و گفتگو و مباحثه کنند و راهکار پیدا کنند. اصلاً ببینند دعوایشان کجاست. خیلی از بسترهای اختلاف نظر موضوعش منتفی شده و موضوعات جدیدی پیش آمده ولی اینها در همان اختلافات سنتی سی سال پیش متوقف شده‌اند. در این میان صدا و سیما نقش محوری و کلیدی دارد که متأسفانه امروز به یک انحصار طلبی غیر عادلانه روی آورده و طیف وسیعی از

مردم و نخبگان و جریان‌های سیاسی که در دایره تعریف آنها نمی‌گنجد به طور کلی از این که از رسانه ملی استفاده کنند و حرفشان را به گوش مردم برسانند محروم شده‌اند بدتر از آن از این رسانه مدام جریان‌های و افرادی مورد اتهام قرار می‌گیرند یا افکار و سخنان آنها تحریف شده به جامعه منعکس می‌شود و آنها امکان دفاع از خودشان و بیان دیدگاه‌های واقعی‌شان را ندارند. گاهی انتقاد می‌کنند یا برخورد قضایی می‌کنند که چرا فلان فرد با رسانه خارجی مصاحبه کرده است باید از اینها پرسید که آیا شما امکان بیان دیدگاه را در صدا و سیمای جمهوری اسلامی برای نیروهای که مایلند در این کشور فعالیت کنند فراهم کردید و گلاویه می‌کنید؟ من فکر می‌کنم که واقعا خویشتن داری جریان‌های طرفدار امام و انقلاب در داخل کشور که امروز مورد غضب واقع شده‌اند و از همه چیز محروم شده‌اند بسیار بالاست که علی‌رغم همه بی‌مهری‌های که به آنها می‌شود و تهمت‌هایی که به آنها زده می‌شود و دروغ‌پردازی‌های که علیه آنها صورت می‌پذیرد باز هنوز رسماً نرفته‌اند از طریق رسانه‌های خارج با مردم صحبت کنند. در حالی که اگر همه درهای اطلاع‌رسانی مسدود شد و امکان صحبت با مردم از افراد گرفته شد نمی‌شود آنها را سرزنش کرد که چرا از رسانه‌های احیانا دشمن یا مخالف با مردم صحبت می‌کنید قرآن می‌فرماید: **لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا** (سوره نسا آیه ۱۴۸)

خداوند بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد مگر [از] کسی که بر او ستم رفته باشد و خدا شنوای داناست (۱۴۸)

خداوند دوست ندارد کسی صدا را با تندی و درشتی بلند کند ولی خود قرآن می‌فرماید کسی که مورد ظلم واقع شده اشکال ندارد. به نظر من رفتار برخی جریان‌های درون حکومت مثل صدا و سیما، خبرگزاری جمهوری اسلامی و روزنامه‌های وابسته به بیت المال که امانتدارانه باید در خدمت همه ملت باشند امروز در جهت وحدت ملی نیست. آنها وحدت را به حول محور خودشان و فکر خودشان تبلیغ می‌کنند این دیگر وحدت نیست. توصیف وحدت جایی است که اختلاف نظری باشد. امروز من سئوال روشنم از صدا و سیما و تریبون‌های نماز جمعه و دانشگاه‌ها و روزنامه‌ها و مطبوعات عمومی این است که شما چه جایی را برای طرح دیدگاه رقیب و مخالفین

خودتان باز گذاشته اید؟ مردم ما هنوز یادشان نرفته است که در زمان امام صدا و سیما مناظره ترتیب می داد یک طرف شهید بهشتی با آن شخصیت علمی شان بود و یک طرف آقای کیانوری و احسان طبری توده ای مارکسیست و یا نماینده چریک‌های فدایی اقلیت و اکثریت که رسماً خدارا منکر بودند. حالا کار به جایی رسیده که امروز جریانی مثل مجمع روحانیون مبارز نه تنها تک تک اعضای برجسته اش مثل آقای خاتمی و آیت الله موسوی خوئینی‌ها و دیگران یا تشکل اش در طول سال فرصتی ندارند تا بیایند در صدا و سیما دیدگاه شان را بیان و از خودشان دفاع کنند، حتی سایت مجمع روحانیون مبارز هم بر خلاف قانون فیلتر می شود و چهار پنج ماه است که ما به وزیر مربوطه نامه نوشته ایم که چرا این کار می کنید یا پاسخی دریافت نمی شود یا پاسخی دریافت می شود که خودش اذعان به جرم است که مجرمانه این سایت را بسته اند. به نظر من با وجود چنین ناهنجاری‌هایی نه می شود امید داشت که ما یک جامعه پویای انقلابی در طراز جامعه ای که امام می پسندید داشته باشیم و باید آقایان مطمئن باشند که با این سخت گیری‌ها و گرفتن‌ها و بستن‌ها و محدود کردن‌ها تنها خدمتی که دارند می کنند به رسانه‌های بیگانه است. یک زمانی داشتن ماهواره حتی برای افراد عادی نوعی ننگ تلقی می شد و از این قضیه پرهیز داشتند اما آن قدر محدودیت ایجاد شده که امروز بسیاری از خانواده‌های متدین و انقلابی حداقل برای اینکه برخی از مطالب را بدانند ناگزیر به این موضوع روی آورده اند. من نمی خواهم تبلیغ رسانه‌های بیگانه را بکنم ولی وقتی درهای آسمان و زمین به روی بخشی از مردم بسته می شود در دنیای ارتباطات امروز مردم که متوقف نمی شوند با امکاناتی که وجود دارد روی می آوردند به عرصه‌های مجازی و رسانه‌های دیگر. خلاصه اینکه فاصله گرفتن از اصول مدیریتی حضرت امام که مبتنی بود بر پذیرش تکثر و حق انتقاد در جامعه و به رسمیت شناختن جریاناتی که حتی به امام انتقاد می کردند و همین جریانی که در نامه اخوی ما از امام سؤال شده که چرا شما به اینها اعتماد می کنید جریانی بود که از شخص ایشان در روزنامه‌هایشان انتقاد می کردند. یکی از این جریانها که نمی خواهم اسمشان را ببرم نامه ای به امام نوشته بودند که مرحوم حاج احمد آقا نقل می کردند که روزی رفتم و دیدم امام نامه‌ها را خوانده اند در حال قدم زدن هستند. شنیده بودم که فلان



گروه روحانی خاص نامه ای برای امام نوشتند و حاج احمد آقا از آن بی اطلاع بودند و از طریق دیگری به امام رسانده بودند. حاج احمد آقا می فرمودند که گفتم آقا فلان گروه به شما نامه نوشته اند؟ فرمودند بله، گفتم نامه چه بود؟ گفتند: اگر فحش هایش را برداریم همان نامه نهضت آزادی است. یعنی نهضت آزادی به امام نامه می نوشتند و این ها از آن تندتر می نوشتند و باز هم امام دفاع می کرد.

- در نهایت جمع بندی شما از این نامه حضرت امام (س) چیست؟

انصاری: منشور برادری به عنوان اعلان رسمی حاکمیتی از سوی حضرت امام (س) که در عالیترین سطح حکومتی یعنی ولایت فقیه بودند و قائل به ولایت مطلقه فقیه هم بودند اعلام می کنند که اختلاف نظر در نظام ما امری طبیعی و ضروری است. اعلان به رسمیت شناختن چند صدایی در درون جامعه اسلامی، حمایت از آزادی بیان و دیدگاهها حتی در سطوحی که آن زمان متعارف بود و انجام می شد و به نظر افرادی مثل اخوی ما که سؤال کردند و بسیاری از افراد انقلابی آن زمان که تصور می کردند شاید قدری فراتر از پذیرش ولایت فقیه و انقیاد از امام است در عین حال ایشان آن اختلاف نظرها و صاحبان آن دیدگاهها را تایید کردند. فراموش نکنید که در آن زمان حضرت امام در سخنرانیها، اقدامات و نصب و عزل هایشان توجه خاص بیشتر به یکی از دو جریان سیاسی آن زمان داشتند که جریان چپ یا خط امام تلقی می شد. حمایت قاطع شان از آقای مهندس موسوی در پیام شان به نمایندگان مجلس، نصب و عزل شخصیتها و منصبها مثل آیت الله خوئینیها برای دادستانی کل کشور یا آقای کروبلی برای امیرالحاجی بعد از آقای موسوی خوئینیها و مواردی از این دست و موضع گیریهایی که حضرت امام در خصوص اسلام و تبیین اسلام ناب و اسلامی آمریکایی داشتند؛ گاهی برخوردهایی که کرده بودند مثل پیام هشت ماده ای یا سرزنش برخی اعضای شورای نگهبان به خاطر اینکه با برخی از مدیران مثل آقای محمد سلامتی که وزیر کشاورزی وقت بودند و ایشان را متهم به کمونیست بودن کرده بودند در ذنیت جامعه

جوان و طرفدار امام آن زمان طوری بود که این رفتارهای جناح مقابل را نوعی مقابله با امام تلقی می‌کردند و از این زاویه بود که اخوی این سؤال به ذهنشان رسیده بود که این جریان با اینکه برحسب ظاهر با شما مقابله دارد شما چطور آن را تایید می‌کنید.

اما امام اینطور از آنها دفاع کردند و به رسمیت شناختند و در عمل خودشان پایبند بودند که اگر فردی از این جناح به دلیلی در جامعه منزوی می‌شود مثل آیت الله یزدی که در انتخابات به دلیل فضای سیاسی رای نیآورده بود به عنوان فقیه شورای نگهبان نصب کردند. در حقیقت این درس بزرگی است برای همزیستی مسالمت آمیز و مشترک سیاسی به حول محور منافع بزرگ و مشترک که این امروز مخدوش شده است نکته بعدی که هم در این پیام و هم در کل پیام سیاسی امام مشهود است ایشان تلاش داشتند که حقیقتاً اسلام و انقلاب و ولایت فقیه را در کنار مردم در خدمت مردم و برای مردم معرفی بکنند و اینها را عامل پیشرفت و توسعه کشور معرفی بکنند و اقعیت هم همینطور بود. یعنی امام چون رژیم استبدادی شاه را عامل باز دارنده و عقب نگهدارنده کشور و نافی استقلال و آزادی می‌دانستند با آن درگیر شدند. متأسفانه امروز شاهدیم که برخی از جریان‌ات تنگ نظر یا متحجر یا فرصت طلب یا مشکوک و وابسته، یا مجموعه ای از این جریان‌ات به گونه ای رفتار می‌کنند که عملاً اسلام و انقلاب و روحانیت و ولایت فقیه را به عنوان عامل مزاحم در زندگی مردم و عامل محدود کننده و سلب کننده آزادی‌ها و عامل ایستایی جامعه معرفی می‌کنند و نتیجه قهری این قرائت و تصویر از اسلام و انقلاب و ولایت فقیه که اینها ارائه می‌دهند چیزی جز گریز افراد از این محورهای و پناه بردن به اردوگاه دشمن یا پناه بردن به بی تفاوتی تعمدی نیست و همه اینها زمینه استبداد و زمینه سلب استقلال کشور و نفوذ اجانب را فراهم خواهد کرد که بسیار هشدار دهنده است. لذا از این زاویه هم صرفاً به منشور برداری، منشور درون خانوادگی نباید نگاه کرد درست است که عمدتاً راه و رسم همزیستی برادران و همراهان خانواده انقلاب است ولی پیام‌هایی فراتر از جناح‌های درون انقلاب هم دارد که روح حاکم بر همه پیام‌ها و اقدامات امام است.